

Feasibility of Jurisprudential and Legal Aspects of Computer Data Transactions with a Focus on the Government's Legislative Policy

1. Pouria Fathi: PhD Student Department of Private Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran
2. Mohammad Bagher Amerinia*: Associate Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran. Email: mohamadamerinia@gmail.com (Corresponding Author)
3. Ali PourJavaheri: Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran

ABSTRACT

Computer data and the emerging effects of the ever-evolving Internet have introduced a distinct economic system that has gained widespread global acceptance. Consequently, examining various transactions from a jurisprudential and legal perspective within the Islamic economic system is of significant importance, which this study addresses. Today, virtual assets, electronic wallets, digital signatures, electronic documents and contracts, and the rise of cryptocurrency-based and metaverse economies have expanded to such an extent that neglecting or unregulated acceptance of these phenomena may result in specific consequences for the Islamic economic system. Accordingly, considerations from Islamic economics and jurisprudence regarding the capacity for conducting computer data transactions play a crucial role in shaping this new type of economic system, particularly concerning the validity or invalidity of such transactions. The findings of this study indicate that adherence to the essential elements of a contract—namely, the specification of the subject matter, the legitimacy of the transaction, financial value, mutual consent of the parties, and the presence of utility and demand—serves as principles that facilitate the acceptance of these types of transactions within the jurisprudential and legal framework. To actualize such transactions and integrate them into the Islamic economic system, the acceptance of computer and Internet-based transactions as assets has been emphasized. Furthermore, with reference to the Electronic Commerce Act, the Islamic Penal Code, and the Law on Computer Crimes, necessary measures can be taken to provide legal support for these transactions.

Keywords: *Computer data, transaction, financial policy, legal status, electronic commerce.*

How to cite: Fathi, P., Amerinia, M. B., & PourJavaheri, A. (2026). Feasibility of Jurisprudential and Legal Aspects of Computer Data Transactions with a Focus on the Government's Legislative Policy. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 8(4), 1-12.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 October 2024

Revise Date: 25 May 2025

Accept Date: 02 June 2025

Initial Publish Date: 16 February 2026

Final Publish Date: 22 December 2026



امکان سنجی فقهی-حقوقی معامله داده‌های رایانه‌ای با نگاهی به سیاست تقنینی ویژه دولت

۱. پوریا فتاحی: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران
۲. محمدباقر عامری نیا*: دانشیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. پست الکترونیک: mohamadamerinia@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. علی پورجوهری: استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

چکیده

داده‌های رایانه‌ای و آثار برآمده از دنیای در حال تغییر اینترنت، شیوه متفاوتی از نظام اقتصادی پدید آوردند که به دلیل فراگیر شدن مورد استفاده اغلب مردم دنیا قرار گرفته است. بر همین اساس، بررسی انواع معاملات از منظر فقهی و حقوقی در نظام اقتصادی اسلامی دارای اهمیت است که پژوهش حاضر بدان می‌پردازد. زیرا امروزه دارایی‌های مجازی، کیف پول‌های الکترونیکی، امضاهای دیجیتال، اسناد و عقود الکترونیکی و شکل‌گیری اقتصاد مبتنی بر رمزارزها و متاورس به قدری گسترش یافته است که بی‌توجهی نسبت به آنان یا پذیرش بی ضابطه می‌تواند تبعات خاصی برای نظام اقتصادی اسلامی در پی داشته باشد. بر این اساس ملاحظات اقتصاد اسلامی و فقه نسبت به ظرفیت داشتن معامله داده‌های رایانه‌ای نقش مهمی در شکل‌گیری نوع جدیدی از نظام اقتصادی خواهد داشت که بیش از همه ناظر بر صحت یا ابطال نوع جدید معاملات است. در هر صورت نتایج تحقیق حاضر نشان داده است که رعایت ارکان عقد یعنی معین بودن موضوع، مشروعیت معامله، مالیت، رضایت طرفین و داشتن منفعت و تقاضا برای معاملات برآمده از داده‌های رایانه‌ای به مثابه احکامی است که امکان پذیرش این نوع معاملات را در نظام فقهی و حقوقی فراهم آورده است. برای محقق شدن این نوع معاملات و استفاده از آنان در نظام اقتصادی اسلامی، پذیرش معاملات مبتنی بر داده‌های رایانه‌ای و اینترنتی در قالب مالیت مورد توجه قرار گرفته و می‌توان با استناد به قانون تجارت الکترونیک و قانون مجازات اسلامی و جرایم رایانه‌ای، نسبت به حمایت از آن، اقدامات لازم را انجام داد.

واژگان کلیدی: داده‌های رایانه‌ای، معامله، سیاست مالی، وضعیت حقوقی، تجارت الکترونیک.

نحوه استناددهی: فتاحی، پوریا، عامری نیا، محمدباقر، و پورجوهری، علی. (۱۴۰۵). امکان سنجی فقهی-حقوقی معامله داده‌های رایانه‌ای با نگاهی به سیاست تقنینی ویژه دولت. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۴(۴)، ۱-۱۲.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۴ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۲ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۲۷ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵

گسترش فضای مجازی، همگانی شدن استفاده از رایانه و متعلقات آن از جمله شکل‌گیری اقتصاد دیجیتالی و الکترونیکی گویای تحولات شگرفی است که دنیای معاصر در حال تجربه کردن آن است. با توجه به سهولت دسترسی و جابجایی کالا و خدمات و همچنین شکل‌گیری اقتصاد مبتنی بر داده‌های رایانه‌ای، شناخت ماهیت دارایی‌های جدید، نوع معاملات و همچنین حقوق و تکالیف متعاملین بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. برخی از نظام‌های حقوقی به سرعت خود را با شرایط اقتصادی جدید مطابقت داده و قوانینی حول حمایت از آن نیز تدوین نمودند؛ برخی همچنان آنان را دارایی در نظر نمی‌گیرند و درصدد تفکیک و بازشناسی آنان در پرتو قوانین و مقررات داخلی هستند. بنابراین در حالت کلی، داده‌های رایانه‌ای بخش مهمی از تجارت الکترونیک محسوب می‌شوند که بر مبنای آن، فروشنده کالا یا خدماتی را در بستر نظام رایانه‌ای و با استفاده از اینترنت یا شیوه‌های ارتباطی از راه دور به خریدار تسلیم می‌نماید. در چارچوب این معامله، فروشنده ملزم است تا جنس یا مالی را که برآمده از تحولات رایانه‌ای و اینترنتی است، تحویل مشتری دهد. این شکل نوین از دادوستد به دلیل فراگیر شدن و کارآمد بودن بسیار مورد توجه قرار گرفته و در نظام‌های حقوقی مختلف نیز توجه خاصی به آن نشان داده شد. در این بستر جدید، عقود و معاملات، حقوق و تکالیف متعاملین و همچنین سازوکارهای مورد تأیید در معاملات، صورت جدیدی پیدا می‌کند که نیازمند تطبیق با شرایط و تحولات نوین است. بنابراین تردیدی وجود ندارد که معاملات داده‌های رایانه‌ای یا عقود الکترونیکی از جمله موارد مهمی هستند که پرداختن به آنان از ضرورت مهم فقهی محسوب می‌شود که مطابق معمول دیدگاههای مخالف و موافق حول آن نیز شکل گرفته است. مهم‌ترین محور در این زمینه مجاز دانستن یا ندانستن معاملات جدید مبتنی بر داده‌های رایانه‌ای یا اینترنتی و الکترونیکی است که جوانب شرعی و قانونی خاصی نیز با خود به همراه دارد. بنابراین پذیرش هر یک از نگرش‌های یاد شده نقش مهمی در ساختن نظام اقتصادی اسلامی و حاکم شدن قوانین در ارتباط با معاملات داده‌های رایانه‌ای خواهد داشت.

رویکردهایی که در عرصه فقهی و حقوقی نسبت به معامله داده‌های رایانه‌ای یا اقتصاد الکترونیکی مطرح شده است، نسبت به مجاز یا غیر مجاز دانستن تحولات نوین، دیدگاههایی را مطرح کرده است که بیشتر حول صحت و ابطال این نوع معاملات یا برگزیدن شیوه‌های خاصی از آنان متمرکز است. به هر حال تلقی کردن معاملات داده‌های رایانه‌ای به مثابه دارایی مستلزم دارا بودن شرایط خاصی است که بر ارکان معاملات سستی نیز حاکم است. یعنی اینکه معاملات جدید نیز باید ارزشمند باشند، نگرش مردم نسبت به آنان از منظر کارآمد بودن مشاهده شود و اینکه تقاضا برای آنان نیز وجود داشته باشد. به علاوه اینکه در معاملات نیز باید مشروع بودن کالا یا خدمات، استفاده مشتری از آن و همچنین دسترسی به آن واقعی باشد و بتواند عرصه زندگی وی را بهبود ببخشد. از این منظر شناسایی معاملات داده‌های رایانه‌ای مجاز و غیرمجاز در نگرش فقهی و به تبع آن در نظام حقوقی اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان معاملات دارای صحت را از معاملات باطل و مفسده‌انگیز تشخیص داد و در نهایت حکم به استفاده از نوع مجاز و صحیح آن داد. بر مبنای موارد یاد شده پژوهش حاضر درصدد است تا ظرفیت معامله داده‌های رایانه‌ای را از منظر فقهی و حقوقی و قوانین داخلی به بحث بگذارد. این سؤال مطرح است که دلایل مخالفان و موافقان معامله داده‌ای رایانه‌ای شامل چه مواردی است؟

چارچوب نظری؛ فقه المعاملات و فقه حکومتی

فقه المعاملات ناظر بر عقود و معاملات در نظام اسلامی است که تبعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را نیز به بحث می‌گذارد. در این چارچوب، صحت و عدم صحت معاملات و از سوی دیگر آثار و تبعات آن در عرصه‌های فردی و اجتماعی تحلیل می‌شوند. بر این اساس،

فقه المعاملات به اهداف تأمین عدالت به ویژه عدالت توزیعی ثروت، بررسی قاعده نفی سبیل، نگاه به رفاه آحاد جامعه و مواردی از این قبیل را به بحث می‌گذارد (Eyvaz Lou, Mousavian, et al., 2019). در این معنا هر ارز، شیوه مبادله، عقد مالی و آنچه در عرصه مناسبات اقتصادی در جامعه اسلامی پدید می‌آید، نیازمند صحت سنجی و امکان پذیرش یا عدم پذیرش آن از منظر آسیب‌شناسی در عرصه‌های اقتصادی است تا افراد بدون دغدغه بتوانند نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی خود اقدام نمایند. بر مبنای فقه حکومتی نیز در نظام اقتصادی اسلامی و بر مبنای تبعات کلان رویکردهای مورد استفاده، هر شیوه اقتصادی کسب ثروت نمی‌تواند مورد قبول باشد، مگر اینکه بتوان در تطبیق با رویکرد فقهی نسبت به مطلوب یا غیر مطلوب بودن آن اظهارنظر اجتهادی صورت گیرد و کارکرد مثبت آن نیز دیده شود. به همین نسبت نظام حقوقی اسلامی نیز نسبت به شیوه‌های جدید مالی و معاملات و مبادلات نیز توجه نشان می‌دهد تا تبعات به کارگیری این شیوه‌های جدید منجر به تضییع حقوق شهروندی یا عدالت نشود.

قابلیت معامله بودن داده‌های رایانه‌ای

برای آنکه بتوان قابلیت معامله بودن داده‌های رایانه‌ای را نشان داد، نیازمند درک ماهیت این نوع معاملات و وجود قوانینی متناسب با این تحولات جدید است. به این دلیل که قراردادهای مبتنی بر رایانه، مخصوصاً آنهایی که از طریق اینترنت شکل می‌گیرند، در فضای بدون قانون شکل نمی‌گیرد (Bonell, 2001). بلکه معاملات تجاری در بستر اینترنت یا داده‌های رایانه‌ای که منبع تغذیه آنان استفاده از اینترنت است، در واقع اشاره به همان قراردادهای الکترونیکی و یا از راه دور دارد، ناظر بر جنبه‌های مختلف معاملات الکترونیکی نظیر عرضه کالا و خدمات برای دعوت به انعقاد قرارداد، سفارشان خرید الکترونیکی، فاکتورهای الکترونیکی و دستورهای پرداخت در بستر اینترنت است که هرچند به شیوه غیرحضور و یا قرار داشتن در یک مکان صورت می‌گیرد، اما نشانگر اراده و عمل افراد است که به‌عنوان کنشگران فضای اینترنت عمل کرده و ایفاگر حق و تکلیفی خاص هستند. از آنجایی که این تعاملات چه به صورت محدود و چه به صورت گسترده و در بستر اینترنت و یا محیط الکترونیک انجام شود، نیازمند وجود سازوکارهایی هستند تا در چارچوب آن بتوان ابعاد مختلف فعالیت اشخاص را شناسایی و برای هریک نیز حقوق و تکالیفی صادر نمود.

داده‌های رایانه‌ای هرچند در فضای مجازی، در بستر رایانه و یا از طریق اینترنت معرفی می‌شود، اما مالکیت آنان همانند اجسام و مالکیت از نوع فیزیکی نیست. برای مثال طراح یا خالق یک لباس می‌تواند با استبدال به اینکه طرح‌ها و علائم تجاری به وی تعلق دارند، خود را مالک بداند یا اینکه فرد دیگری می‌تواند از صورت «فیزیکی» همان اقلام لباس، خود را صاحب آن معرفی نماید (Erlank, 2012) اما آنچه باعث تمایز مالکیت از نوع داده‌های کامپیوتری یا رایانه‌ای و در بستر اینترنت می‌شود، برآمدن از تفکر، ایده و خلاقیت و جنبه نامحسوس بودن آن است که ترکیبی از کدهای کامپیوتری است که توسط قانون مالکیت فکری حمایت می‌شوند (Panahi et al., 2020). بنابراین اگر مالیت کالاها، خدمات یا نوآوری‌های برآمده از داده‌های رایانه‌ای اثبات شود، معامله با آنان در شرایطی که ارکان یک عقد در آنان جاری شود، مشکلی ندارد. با در نظر داشتن این مورد که مالکیت در این معاملات از نوع معنوی است (Eskini & Mehrabakhsh, 2015). یعنی اینکه جنبه مادی ندارند یا اینکه آثار برآمده از آنان در یک بستر الکترونیکی و از راه دور صورت می‌گیرد که خود نشانه اصلی معامله داده‌های رایانه‌ای است. بنابراین به این دلیل که مالیت داده‌های رایانه‌ای از جمله مواردی نظیر پول‌های دیجیتال یا رمز ارزها اثبات شده است، می‌توان مورد استفاده قرار داد و از نظر فقه اسلامی، رمزارزهایی نظیر بیت کوین نیز حلال هستند و مورد قبول اسلام هستند (Abu-Bakar, 2018). همچنان که در فقه امامیه نیز عقیده بر این است که عوضین می‌بایست ارزش داد و ستد داشته باشند (Ansari, 1994; Ansari, 1990;)

(Naeini, 1987). در این صورت اگر مردم برای استفاده از آنان تلاش نمایند یا هزینه‌ای برای بدست آوردن آنان نیز صرف کنند، نشانگر ارزشمند بودن آن کالا یا خدمات محسوب شده و چون این خصیصه ارزشمند بودن منجر به تقاضا برای آن شده و حتی کمیاب می‌شوند، در زمره امور و کالاهای قابل معامله لحاظ می‌شوند و احکام فقهی نیز به صحت آنان حکم می‌دهد.

در همین راستا حقوق اسلامی نیز با در نظر داشتن چهار رکن عقد یعنی رضایت، اهلیت، مشروعیت و انتفاعی بودن یا ارزش داشتن (Katouzian, 2000)، اصول کلی برای مشروع بودن معامله در هر شرایطی را مطرح کرده است. بنابراین اگر عناصر و ارکان یاد شده در یک معامله دیده شوند، می‌توان نسبت به صحت آن حکم داد. از جنبه مالیت نیز بند سوم از ماده ۱۹۰ و ماده ۲۱۵ قانون مدنی، مالیت مورد معامله را از شروط معامله تلقی می‌کنند. یعنی اینکه ارزش داد و ستد داشته باشد و این در صورتی است که تحصیل و دستیابی به آن، مبادلات صورت گیرد و منفعتی نیز در میان باشد. بنابراین از نظر حقوقی نیز باید به جنبه منفعت داشتن و ارزش معامله داشتن یک کالا نیز نگاه کرد که اگر این رویه در عرصه داده‌های رایانه‌ای نیز حاکم باشد، معامله با آن نیز مشکلی ندارد.

ضمن اینکه مشروع بودن معامله از حیث رد و بدل شدن کالای با ارزش نیز بخشی از رویکرد فقهی و حقوق اسلامی است. یعنی همه ابعاد معامله، یعنی موضوع معامله، متعاملین، جهت معامله از منظر مشروعیت داشتن در وضعیتی باشند که حتی نبود یکی از آنان به منزل شرط ابطال عقد است (Naeini, 1987; Yazdi, 1988). این موضوع درباره معاملات داده‌های رایانه‌ای نیز صادق است. اما شواهد نشان‌دهنده آن است که داده‌های رایانه‌ای هم دارای ارزش هستند، مشروع هستند؛ یعنی اینکه مردم از وجود آنان استفاده کرده و رضایت دارند و حول یک موضوع مشخصی در زمره فعالیت‌های اقتصادی قرار می‌گیرند. هنگامی که مردم در قبال استفاده از خدمات مربوطه اقدام به پرداخت پول می‌کنند، به عنوان موضوعی دارای ارزش تلقی می‌شوند. به همین دلیل است که قوانین داخلی از جمله قانون تجارت الکترونیک نسبت به حمایت از مؤلف اعم از حوزه رایانه‌ای یا غیر از آن حمایت به عمل آورده است. به موجب قانون تجارت الکترونیکی قرار دارد، حق نشر، عرضه، اجرا و بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزارهای رایانه‌ای، نحوه تدوین و ارائه داده‌ها در محیط قابل پردازش رایانه‌ای و نام، عنوان و نشانه ویژه معرفی نرم‌افزارهاست، که موارد یاد شده در قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ مورد توجه قرار گرفته است. به موجب ماده یک این قانون، حق نشر، عرضه، اجرا و بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزارهای رایانه‌ای، متعلق به پدیدآورنده آن است و نام، عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف نرم‌افزار می‌باشد، از حمایت قانون برخوردار است. ضمن اینکه در صورت مهیا بودن شرایط مقرر در قانون ثبت علائم و اختراعات، این احتمال می‌رود نرم‌افزار به عنوان اختراع مورد شناسایی قرار گیرد (ماده دوم) در این صورت، استفاده از آن به نحوی که القای شبهه نماید، مشمول مجازات قرار خواهد گرفت (Ghanad, 2010). از این منظر وجود قوانین برای حمایت از مؤلفین در این حوزه به معنای ارزشمند بودن آنان است که می‌تواند ابعاد یک معامله اقتصادی صحیح را نیز تکمیل نماید.

غیر معامله بودن داده‌های رایانه‌ای

دلایل کسانی که بر غیر معامله بودن داده‌های رایانه‌ای تأکید دارند، هم از حیث حقوقی و هم از حیث فقهی در نظام حقوقی اسلامی قابل توجه است. از جهت حقوقی در حالت کلی استدلال می‌شود که طبیعت و خاصیت این نوع معاملات و قراردادهای مرتبط با آنان باعث ایجاد برخی ابهامات حقوقی در عرصه تجاری شده که البته حقوق از جهت پاسخگویی به نیازهای رو به تزاید آنان ناکافی و یا اینکه کند است (Sabett, 1996). بنابراین ناکآرمادی قوانین فعلی (معاملات سنتی) از یک طرف و گسترش بی‌سابقه تحولات تکنولوژیکی و داده‌های

رایانه‌ای که بخش قابل توجهی از اقتصاد جهانی را در دست گرفتند، باعث شده تا غیرمعامله بودن داده‌های رایانه‌ای از جهت عدم توسعه نظام حقوقی متناسب با آنان مورد توجه قرار گیرد.

علاوه بر این، قواعد عمومی حقوق مالکیت به دنبال معین کردن اشخاص دارای حق به کارگیری اشیاء و گونه‌ها و سازوکارهای استفاده از آن است. هدف این شاخه از حقوق، ترسیم ساختاری عادلانه، رویکرد حقوقی پیش بینی پذیر و شفاف برای توزیع حق استفاده از اشیاء است (McFarlan, 2008) اما وقتی در فضای پیچیده معاملات داده‌های رایانه‌ای، قواعد عمومی مالکیت از جهت وجود دو طرف معامله و یا ثبت قرارداد به شیوه حضوری میسر نیست، تسری قوانین به حوزه مالکیت داده‌های رایانه‌ای نیز امری دشوار و در عین حال نقض کننده قواعد عمومی حقوق مالکیت است. دیدگاه دیگری که از منظر فقهی مطرح شده است، مشخص نبودن مقصد و مبدأ معاملات مبتنی بر داده‌های رایانه‌ای، پرخطر و ریسک بالای آنان است (Azari et al., 2021). ضمن اینکه در مواردی به دلیل عدم مشخص بودن وضعیت طرفین معامله در داده‌های الکترونیکی و رایانه‌ای، حریم خصوصی افراد نقض می‌شود که خود منجر به ایجاد مشکلاتی می‌شود که در نهایت به وقوع جرم منتهی می‌گردد (Yousefi et al., 2018). بنابراین عدم شفافیت کافی در معاملات داده‌های رایانه‌ای نسبت به معاملات سنتی، زمینه بیشتری برای ایجاد بزه و جرایم رایانه‌ای ایجاد می‌نماید که نیازمند قوانین دقیق و در عین حال تخصصی است.

از طرف دیگر برخی نیز داده‌های رایانه‌ای و معاملات برآمده از آنان را از منظر فقه‌المعاملات، سازگار با عدالت اسلامی نمی‌دانند. به این دلیل که بخش مهمی از ثروت در گردش مرتبط با مواردی نظیر رمزارزها به عنوان مصداق روشن داده‌های رایانه‌ای در دست عده اندکی سرمایه دار است که به معنای عدم عدالت توزیعی بر این ارزها است (Eyvaz Lou, Rezaei Sadrabadi, et al., 2019). بنابراین با توجه به اینکه گسترش معاملات ناشی از این داده‌های رایانه‌ای به منزله ثروتمند شدن عده‌ای و فقیرتر شدن سایر سهام داران است، چندان موافق آموزه‌های فقهی و شرعی یعنی پیروی از صل عدالت نیست.

دشواری حق فسخ نیز بخش دیگری از رویکردهای فقهی و حقوقی در خصوص معاملات مرتبط با داده‌های رایانه‌ای است. زیرا با توجه به عدم امکان حضور متعاملین در معامله، با نوعی بی‌ضابطگی در این زمینه مواجه هستیم. به همین دلیل گفته می‌شود که با توجه به ماهیت مدون قوانین حمایتی مربوط به تجارت الکترونیکی می‌بایست با احتیاط بیشتری نسبت به امکان توافق بر وجود چنین شروطی در قراردادهای الکترونیکی اقدام کرد. هرچند براساس بند «و» ماده ۳۳ و بندهای «ج» و «د» ماده ۳۴ قانون تجارت الکترونیک، امکان گذاشتن شرط فسخ در قراردادهای الکترونیکی دیده می‌شود (Almasi & Akhlaqi, 2017). بنابراین با در نظر داشتن انتقادات مربوط به عدم معامله نسبت به داده‌های رایانه‌ای و الکترونیکی با استناد به قوانین یاد شده می‌توان از شرط فسخ نیز بهره برد. هرچند که قوانین این حوزه نیازمند رویکرد تخصصی در معاملات الکترونیکی و داده‌های رایانه‌ای هستند.

امکان سنجی معامله داده‌های رایانه‌ای

در نگرش موافقان به داده‌های رایانه‌ای این موضوع بحث شد که اگر معاملات یاد شده ارکان عقد را رعایت نمایند و برای مشتریان ارزشمند باشند، امکان اینکه بتوانند در قالب معامله مورد استفاده قرار گیرند، وجود دارند. با پذیرش این دیدگاه و ملاحظات مربوط به رعایت ارکان معامله و عقد، باید گفت که داده‌های رایانه‌ای از جهت مالیت، دارای مالیت اعتباری هستند و اگرچه در اعتبار و ارزش واقعی آنان اختلاف وجود دارد، اما از جهت اینکه مالیت آن از نوع اعتباری است، می‌توان ارزش گذاری و قیمتی بودن آنان از جمله ارزشهای دیجیتالی را به عنوان مال بودن آنان لحاظ نمود (Azari et al., 2021). بنابراین مالیت به عنوان بنیان معامله در نظام اقتصادی اسلامی و نگرش فقهی پشتیبان

استفاده از داده‌های رایانه‌ای را فراهم نموده که خود نیازمند رعایت ملاحظات بعدی مربوط به معامله است که می‌تواند طیفی از رمزارزها، امضاهای الکترونیکی، عقود الکترونیکی و... را در برگیرد. اما به طور مشخص باید گفت از جهت اینکه داده‌های رایانه‌ای نظیر معاملات و دارایی‌های سنتی دارای ارزش و اعتبار هستند، مراقبت از آنان نیز مدنظر است. بنابراین وقتی مالی با هر ماهیت و خصوصیتی، قابلیت مراقبت دارد، از منظر شرعی، همین حکم برای داده‌های رایانه‌ای نیز ساری و جاری است. بنابراین کاربران و صاحبان داده‌های رایانه‌ای از جمله ارزهای دیجیتال موظف هستند از داده‌های خود مراقبت نمایند (Faraji, 2010). بنابراین مراقبت و حفاظت از این دارایی که در قالب کیف‌های پول دیجیتال یا رمزگذاری سراسری لحاظ شده است، به معنای آن است که از نظر قضایی دارای ایمنی هستند و هر مالکی می‌بایست به شیوه امن از دارایی‌ها و اموال خود مراقبت نماید.

بحث مهم در ارتباط با ممکن بودن معاملات داده‌های رایانه‌ای، رعایت ارکان عقد در حقوق اسلامی است که در چهار مبحث الف: قصد و رضای طرفین، ب: اهلیت طرف، ج: معین بودن موضوع مورد معامله و د: مشروعیت جهت معامله (Katouzian, 2000)، قابل بیان است. توضیح اینکه در شریعت اسلام، اساس انعقاد قراردادها عنصر رضایت است. در شریعت اسلام، عقد معامله یا هر چیزی که دلالت بر آن داشته باشد، از جمله گفتار، عمل و کتابت یا اشاره منعقد می‌شود. همچنان که در بستر اینترنت نیز اصل عقد بین دو شخص به معنای وقوع عقد است، با این تفاوت که در زمان حاضر هستند، اما از نظر مکانی غایب هستند. در هر صورت در فقه نیز سازوکارهایی برای ارتقای شرایط حقوقی جهت حمایت از تجارت در بستر الکترونیک و اینترنت انجام شده است که این به معنای رشد چشمگیر و اهتمام به انجام این معاملات است که از شیوه حضوری به شیوه غیرحضوری تغییر ماهیت پیدا کرده است (Faraji, 2010). بنابراین اگر در بستر مجازی یا الکترونیکی، رضایت طرفین در معاملات جلب شده باشد و اقدام به عقد نمایند، تردیدی در صحت معامله وجود ندارد و رکن رضایت محقق شده است و تنها ماهیت و سازوکارهای معامله از سنتی به رایانه‌ای و الکترونیکی تغییر یافته که نشانه اصلی آن غیرحضوری بودن و نامحسوس بودن آن است. بدین ترتیب در ارتباط با قصد و رضای طرفین معامله این دیدگاه قابل بیان است که مخاطب (متعاملین) ایجاب را رد نکرده باشند؛ هر دو طرف الفاظ ایجاب و قبول را شنیده باشند و موافقت قبول و ایجاب نیز ملاک است (Abdoli et al., 2022). در ارتباط با بحث رضایت و قصد طرفین نیز در معاملات داده‌های الکترونیکی و رایانه‌ای می‌توان به ماده ۴۳ از قانون تجارت الکترونیک استناد کرد. به موجب ماده یاد شده: «تامین‌کننده نباید سکوت مصرف‌کننده را حمل بر رضایت وی کند». دلیل رضایت طرف، نه حتی سکوت و بی‌طرفی وی برای صحیح دانستن معامله، تأکیدی است که قانونگذار در این موارد به رضایت طرفین در معامله اعطا کرده که می‌بایست به صورت فعالانه در آن مشارکت داشته باشند تا جنبه معامله به خود گیرد.

اهلیت نیز در معاملات داده‌های رایانه‌ای نیز بدان معناست که امروزه در شرایطی که تجارت الکترونیک و معاملات در بستر اینترنت رشد قابل توجهی داشته و افراد با ملیت‌های مختلف در بستر اینترنت اقدام به انجام معاملات می‌نمایند، فقه اسلامی نیز تلاش دارد تا با نوآوری و مذاقه در معاملات جدید، سازوکارهایی را بیان کند. بدین معنا که شرایط عقد در معاملات را بیان نمودند که از جمله شرایط عقد و معامله را اهلیت متعاقدين و صلاحیت انشاء توسط طرفین در زمان انشاء ایجاب و قبول فاصله زمانی بین آن‌ها دانسته شده است (Ansari, 1990). علاوه بر این، در فقه اسلامی شرایط و معیارهای اهلیت بیان شده است که از جمله به موانع آن از جمله کودکی، دیوانگی، سبک عقلی و غفلت اشاره شده که موانع اهلیت هستند. در هر صورت از نظر فقهی، اهلیت به دو قسم: اهلیت وجوب و اهلیت اداء تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی هرچند به معنای تفکیک حقوق و تکالیف افراد از حیث اهلیت در معامله یا تملک بر چیزی است، اما نشان دهنده معیارهایی برای شناسایی

اهلیت افراد اعم از حقیقی و حقوقی و همچنین سازوکارهایی برای تمیز حقوق و تکالیف آنان است. بنابراین بحث مالکیت، احراز مالکیت و اهلیت در انواع معاملات و تجارت حائز اهمیت است که با توجه به تغییر و تحولات صورت گرفته در انواع معاملات، پی بردن به نقش اشخاص حقیقی و حقوقی، حقوق و تکالیف آنان و یا میزان بهره مندی افراد از تجارت صورت گرفته، قواعد و سازوکارهایی در فقه بیان شده است. به عنوان نمونه در احادیث آمده است که هرکس قسمتی از زمینی را آباد کند، برای تملک آن سزاوارتر است (Fayz Kashani, 1990). این بدان معناست که در عصر تجارت الکترونیک و در بستر اینترنت نیز شناخت مالک، حقوق و تکالیف، نحوه احراز اهلیت وی و همچنین حقوق متعاملین در بستر اینترنت نیز مورد توجه فقه اسلامی است. بنابراین اهلیت افراد، دارا بودن شرایط اهلیت و همچنین تغییراتی که به تناسب زمان صورت می‌گیرد، دغدغه فقها و اسلام شناسان نیز می‌باشد که البته هم در قالب اصول و قواعد فقهی و هم در قالب عقود اسلامی، حقوق تجارت و یا معاملات و... نیز نمود پیدا می‌کند. در حقوق داخلی نیز بحث اهلیت به نحوی به وظایف، تکالیف و مسئولیت طرفین معامله پرداخته است. از جمله در بندهایی از ماده دوم قانون اخیرالذکر در ارتباط با اهلیت آورده است:

س - «مصرف کننده» (Consumer): هر شخصی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه‌ای اقدام می‌کند؛

ع - «تامین کننده» (Supplier): عبارت از شخصی است که بنا به اهلیت تجاری، صنفی یا حرفه‌ای فعالیت می‌کند (قانون تجارت الکترونیک). بنابراین قانونگذار با اشاره به مصرف کننده و تأمین کننده به شناسایی افراد یا متعاملین در معامله و وظایف آنان اشاره دارد. به همین دلیل در اده ۷ از قانون تجارت الکترونیک چنین آورده شد: «هرگاه قانون، وجود امضاء را لازم بداند امضای الکترونیکی مکفی است.» این بدان معناست که قانونگذار جهت شناسایی و پی بردن به حقوق و تکالیف طرفین معامله، سازوکارهای قانونی را بدون ملاحظات فردی، در نظر گرفته است. در ارتباط با معین بودن موضوع نیز ماده ۳۳ قانون تجارت الکترونیک چنین آورده است: «فروشنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات بایستی اطلاعات موثر در تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان جهت خرید و یا قبول شرایط را از زمان مناسبی قبل از عقد در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند». حداقل اطلاعات لازم، شامل موارد زیر می‌باشد:

الف- مشخصات فنی و ویژگیهای کاربردی کالا و یا خدمات؛

ب- هویت تامین‌کننده، نام تجاری که تحت آن نام به فعالیت مشغول می‌باشد و نشانی وی؛

ج- آدرس پست الکترونیکی، شماره تلفن و یا هر روشی که مشتری در صورت نیاز بایستی از آن طریق با فروشنده ارتباط برقرار کند؛

د- کلیه هزینه‌هایی که برای خرید کالا بر عهده مشتری خواهد بود (از جمله قیمت کالا و یا خدمات، میزان مالیات، هزینه حمل، هزینه تماس؛

ه- مدت زمانی که پیشنهاد ارائه شده معتبر می‌باشد؛

و- شرایط و فرایند عقد از جمله ترتیب و نحوه پرداخت، تحویل و یا اجرا، فسخ، ارجاع، خدمات پس از فروش.

بنابراین شرایط مرتبط با معین بودن موضوع توسط قانون تجارت الکترونیک بیان شده است که گواهی بر قابلیت معامله بودن قراردادهای مرتبط با داده‌های رایانه‌ای است.

در ارتباط با مشروعیت جهت معامله نیز قانونگذار در فصل حمایت از علائم تجاری و ماده ۶۶ چنین آورده است: «به منظور حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و تشویق رقابت‌های مشروع در بستر مبادلات الکترونیکی استفاده از علائم تجاری به صورت نام دامنه (Domain Name) و یا هر نوع نمایش بر خط (Online) علائم تجاری که موجب فریب یا مشتبه شدن طرف به اصالت کالا و خدمات شود ممنوع و متخلف به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید». بنابراین مشروعیت معاملات در داده‌های رایانه‌ای نیازمند درک شرایط و بستری

است که معاملات در آن رخ می‌دهند. یعنی اینکه تجارت الکترونیکی شیوه خاصی از مبادلات تجاری است که در آن اشخاص به جای تبادلات فیزیکی یا تماس مستقیم به صورت الکترونیکی تعامل می‌کنند. از این منظر، مفاهیم مصطلح در تجارت الکترونیکی نیازمند پشتماند قانونی و حقوقی متمایزی است که بتواند اشخاص را در بستر معاملات الکترونیکی شناسایی و یا بر عقود میان آنان سازوکاری ایجاد نماید (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۹). بنابراین معاملات در بستر داده‌های رایانه‌ای، تنها شیوه و سازوکارها را تغییر داده است، اما از جهات متعددی، مشروعیت لازم برای انتفاع طرفین معامله در آن مشهود است. برای حمایت از این اصل و مشروعیت بخشیدن به حمایت از مصرف کنندگان و رقابت مشروع، قانون جرایم رایانه‌ای نیز به مجازات افرادی مربوط است که مقررات مربوطه را نادیده بگیرند.

نتیجه‌گیری

به لحاظ فقهی و حقوقی، دیدگاه‌های متعددی در ارتباط با صحت معاملات داده‌های رایانه‌ای یا الکترونیکی قابل طرح است، اما به طور کلی در مواردی که معطوف به رد یا باطل دانستن این معاملات مطرح شده است، عدم رعایت ملاحظات مربوط به ارکان عقد یا معامله است یا اینکه اصول و قواعد اقتصاد اسلامی از جهت رعایت عدالت، منع تبعیض، منع انباشت و تکاثر ثروت و... رعایت شود. بر مبنای آنچه پژوهش حاضر بدست آورده، الکترونیکی بودن معاملات باعث شده تا رویکرد فقهی برای معاملات معین شرعی ارائه شود که در اصل به معنای تطبیق قراردادهای الکترونیکی با صورت جدیدی از معامله است و نیازی به ارائه عقود جدید نیست، بلکه الکترونیکی بودن و معامله در بستر داده‌های رایانه‌ای یا استفاده از آنان، عقدی است که در قالب جدید اتفاق افتاده است. در همین زمینه نیز قانونگذار در مواردی از جمله قانون تجارت الکترونیک و قانون جرایم رایانه‌ای، حمایت از مالکیت معنوی یا مشخص نمودن سازوکارهای معامله را مدنظر قرار داده است که البته در مواردی نیازمند مصداقی‌سازی و دوری از کلی‌گویی است. زیرا امروزه تجارت مبتنی بر داده‌های رایانه‌ای وارد فاز جدیدی شده است که رمزارزها به عنوان نمونه بارز آن نقش مهمی در شکل دهی به اقتصاد دیجیتالی دارند. برای مثال انباشت برخی رمزارزها توسط عده‌ای خاص از کشورها یا ثروتمندان ناقض اصل عدالت در نظام فقهی اقتصادی اسلامی است که می‌بایست به اطلاع عموم مردم برسد یا نوعی رویکرد فقهی -حقوقی متناسب با این نظام مالی جدید ارائه شود. تفکیک کردن ارزها بر مبنای ساختار شبکه‌ای آنان و مجاز یا غیرمجاز دانستن فعالیت آنان در نظام اقتصادی، از جمله مواردی است که فقه اقتصادی می‌تواند نسبت به ساماندهی داده‌های رایانه‌ای از جمله حوزه رمزارزها گام بردارد. همین رویه فقه المعاملات یا فقه حکومتی در قبال عقود الکترونیکی، اسناد غیرمکتوب می‌تواند بر مبنای رعایت ارکان عقد یعنی رضایت طرفین، مشروعیت معامله، معین بودن موضوع و مالیت لحاظ شده و هریک که خارج از چارچوب ارائه شده باشد، از عرصه نظام اقتصادی اسلامی کنار گذاشته شود. ضمن اینکه رعایت ملاحظات مربوط به حق الناس، عدالت، منع تبعیض، ارائه کالاها یا خدمات ارزنده و رقابتی و کمک به توسعه اقتصادی بر مبنای نگرش اسلامی نیز حائز اهمیت است. زیرا اگرچه قوانین مربوطه و ویژه همچنان قوانین مربوط به تجارت الکترونیک است، اما پذیرش معاملات مبتنی بر داده‌های رایانه‌ای و اینترنتی در قالب مالیت پذیرش قابل توجهی یافته و در نظام اقتصادی کشور نیز در حال گسترش است. اما امکان اینکه معامله داده‌های رایانه‌ای در پرتو نگرش فقهی و حقوق اسلامی فراهم شود، مستلزم در نظر گرفتن اصول و قواعد کلی حاکم بر اقتصاد و جامعه مطلوب اسلامی است؛ یعنی عدالت، نفی نابرابری، جلوگیری از انباشت ثروت، جلوگیری از گسترش کالاها غیرقابل استفاده و... نیز حائز اهمیت هستند. به طوری که در مواردی نظیر رمز ارزها که نتیجه آن باعث تسلط ثروتمندان بر برخی رمزارزها شده و اصل عدالت نقض می‌شود که متناسب با فقه المعاملات یا فقه حکومتی نیست. به این دلیل که عدالت بنیان نظام اقتصادی در اسلام است و نبود این خصیصه بنیادین به معنای صحت نداشتن معامله است که می‌بایست در کنار ارکان معامله نیز

مورد نظر قرار گیرد. بنابراین در صورتی که رعایت ارکان معامله، صحت عقد و معامله و رعایت اصول و قواعد اقتصاد اسلامی از جهت فردی و اجتماعی لحاظ شود، داده‌های رایانه‌ای می‌توانند در نظام اقتصادی اسلامی نقش مهمی ایفا کنند و مورد استفاده مردم و نظام اسلامی قرار گیرند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The rapid development of the digital economy has brought computer data transactions to the forefront of contemporary economic discourse. The increasing reliance on virtual assets, electronic wallets, digital signatures, and electronic contracts underscores the necessity of examining these transactions from a jurisprudential and legal standpoint, particularly within the Islamic economic framework. The present study aims to explore the feasibility of computer data transactions in light of Islamic jurisprudence and legislative policies, with an emphasis on the legal measures required to regulate these transactions. The study highlights the fundamental principles that must be met for the legitimacy of such transactions, including the specification of the subject matter, financial value, mutual consent, and the presence of utility and demand. The research also addresses the potential challenges and risks associated with unregulated acceptance of these transactions and provides recommendations for their integration within the legal framework through references to existing laws, such as the Electronic Commerce Act, the Islamic Penal Code, and the Law on Computer Crimes.

Islamic jurisprudence has always been deeply concerned with the integrity and legitimacy of economic transactions, ensuring that they align with the principles of justice and equity. In the context of computer data transactions, the primary question revolves around whether such transactions can be considered legitimate under Islamic law. The study emphasizes the critical importance of recognizing computer data as an asset with inherent financial value, which aligns with the principles of financial transactions in Islamic law. Scholars have argued that if computer data transactions meet the essential elements of a valid contract—such as clear subject matter, lawful purpose, mutual consent, and the potential for benefit—they can be accommodated within the Islamic legal framework (Katouzian, 2022). Furthermore, the acceptance of digital assets, including cryptocurrencies and electronic contracts, requires careful consideration of their compliance with Islamic legal principles, such as the prohibition of uncertainty (gharar) and ensuring fairness in transactions (Ansari, 1994).

The research underscores the importance of legislative support in facilitating the integration of computer data transactions into the Islamic economic system. Legislative measures must ensure that these transactions adhere to the legal requirements outlined in existing regulatory frameworks, such

as the Electronic Commerce Act and the Law on Computer Crimes (Shahidi, 2004). These laws provide guidelines for electronic transactions, outlining the conditions under which they can be legally recognized and enforced. The study also explores the implications of recognizing computer data as an economic asset, suggesting that such recognition can pave the way for new economic opportunities while ensuring compliance with Islamic legal principles. It further argues that legislative policies must address potential challenges, such as data security, consumer protection, and fraud prevention, to foster trust and confidence in computer data transactions (Taheri Daghiyan et al., 2019).

One of the critical aspects discussed in the study is the necessity of aligning computer data transactions with the broader objectives of Islamic economic principles, particularly in terms of wealth distribution and social justice. Islamic economics emphasizes the equitable distribution of wealth and the prevention of monopolistic practices that could lead to economic disparity (Helli, 1967). Therefore, any regulatory framework governing computer data transactions must incorporate mechanisms to prevent exploitation and ensure that these transactions contribute to the overall well-being of society. The study also highlights the role of Islamic financial institutions in facilitating the acceptance of computer data transactions by providing Shariah-compliant financial products and services that cater to the needs of businesses and consumers in the digital economy (Najafi, 1981).

The research also examines the legal challenges associated with computer data transactions, particularly concerning contract enforcement and dispute resolution. Given the intangible nature of computer data, establishing clear legal guidelines for contract formation, execution, and enforcement is essential. The study suggests that adopting best practices from international legal frameworks, such as the United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL) Model Law on Electronic Commerce, could provide valuable insights into addressing these challenges (Ben-Shahar, 2010). Additionally, it emphasizes the need for capacity-building initiatives to educate stakeholders, including legal professionals, policymakers, and businesses, on the legal implications of computer data transactions and their compliance with Islamic legal principles (Bahrani, 1989).

In conclusion, the study provides a comprehensive analysis of the feasibility of computer data transactions from a jurisprudential and legal perspective, offering practical recommendations for their integration into the Islamic economic system. The findings suggest that by ensuring compliance with the fundamental principles of Islamic law and implementing robust legislative measures, computer data transactions can be effectively regulated and leveraged to foster economic growth and development. The study calls for further research and dialogue among scholars, policymakers, and industry stakeholders to address emerging challenges and explore innovative solutions for the regulation of computer data transactions within the Islamic legal framework

References

- Abdoli, R., Afsharnia, T., & Rajabzadeh Estahbani, A. (2022). Laws Governing Electronic Contracts from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law. *Quarterly journal of interdisciplinary jurisprudence studies*(8), 123-140.
- Abu-Bakar, M. M. (2018). *Shariah Analysis of Bitcoin, Cryptocurrency, and Blockchain*. <https://blossomfinance.com/bitcoin-working-paper>
- Almasi, N. A., & Akhlaqi, B. (2017). Rights and Obligations of Parties in Electronic Sales. *Quarterly Journal of Comparative Research in Iran and International Law*, 10(37), 241-287.
- Ansari, M. b. M. (1994). *Kitab al-Makasib*. World Congress for Commemoration of Sheikh Ansari Publications.
- Ansari, S. M. (1990). *Kitab al-Makasib*. Dar al-Zakhair Publications.

- Azari, S., Afzali Gorooh, R., & Tarom, M. (2021). Investigating the Jurisprudential Rulings on Virtual Currency: A Case Study of Bitcoin. *Quarterly Journal of Economic Jurisprudence Studies*, 3(4), 101-123.
- Bahrani, H. (1989). *Ayoun al-Haqqaiq al-Nazrah fi Tatamim al-Hadaeq* (Vol. 2). Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society.
- Ben-Shahar, O. (2010). One-Way Contracts: Consumer Protection without Law. *European Review of Contract Law*, 6(3). <https://doi.org/10.1515/ercl.2010.221>
- Bonell, M. J. (2001). Do We Need a Global Commercial Code? *Dickinson Law Review*, 106, 87-94.
- Erlank, W. (2012). *Property in Virtual Worlds* Stellenbosch University]. South Africa.
- Eskini, R., & Mehrabakhsh, M. (2015). Internet Businesses. *Quarterly Journal of Private Law Studies*, 45(3), 379-384.
- Eyvaz Lou, H., Mousavian, S. A., Rezaei Sadrabadi, M., & Nouri, J. (2019). Jurisprudential-Economic Analysis of Virtual Currency Extraction in the Islamic Economic System. *Ma'rifat-e Eghtesad-e Islami*, 11(1).
- Eyvaz Lou, H., Rezaei Sadrabadi, M., & Nouri, J. (2019). Jurisprudential-Legal Analysis of Exchange of Extractable Currencies in Islamic Economics. *Quarterly Journal of Islamic Economics*, 20(77), 183-217.
- Faraji, Y. (2010). *Money, Currency, and Banking*. Publishing Company of Commerce.
- Fayz Kashani. (1990). *Al-Wafi*. Amir al-Mu'minin Library Publications.
- Ghanad, F. (2010). Protection of Intellectual Property in the Context of Electronic Transactions. *Quarterly Journal of Islamic Law*, 1(1), 170-200.
- Helli, M. H. (1967). *Izah al-Fawad in the description of the problems of rules* (Vol. 4). Ismailian Institute.
- Katouzian, N. (2000). *Introductory Course in Civil Law; Legal Acts, Contracts, and Unilateral Acts*. Sahami Publications.
- Katouzian, N. (2022). *Civil rights; General rules of contracts (concept, conclusion and validity of the contract)* (Vol. 1). Ganj Danesh.
- McFarlan, B. (2008). *The Structure of Property Law*. Hart Publishing.
- Naeini, M. H. (1987). *Muniyat al-Talib fi Hashiyat al-Makasib*. Maktab al-Muhammadiyah Publications.
- Najafi, M. H. (1981). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharai' al-Islam* (Vol. 40). Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi.
- Panahi, M., Almasi, N. A., Shams, A., & Mohammad Taheri, M. R. (2020). Components and Legal Principles Governing Ownership in Cyberspace. *Quarterly Journal of Free Legal Research*, 13(48), 23-38.
- Sabett, R. v. (1996). International Harmonization in Electronic Commerce and Electronic Data Interchange: A Proposed First Step Toward Signing on the Digital Dotted Line. *American University Law Review*, 46, 511-513.
- Shahidi, M. (2004). *The works of contracts and obligations*. Majd Publications.
- Taheri Daghiyan, A., Qasemi Motlagh, M., & Mehdian, H. (2019). The effectiveness of dialectical behavior therapy on anxiety and rumination in depressed patients. *medical journal of mashhad university of medical sciences*, 62(December), 264-274. <https://doi.org/10.22038/mjms.2019.14535>
- Yazdi, S. M. K. (1988). *Al-Urwah al-Wuthqa fi ma Ta'mum bih al-Balwa*. Scientific Publications Institute.
- Yousefi, A. A., Navabpour, A., & Talebi, M. (2018). Jurisprudential Analysis of the Functions of Cryptocurrencies (Case Study of Bitcoin). *Quarterly Journal of Islamic Economics*, 18(72).